

تأثیر مشخصه‌های جرم بر تعیین مجازات

نسرین مهرا*

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۲۰

چکیده

می‌توانیم مجازات را فرایندی در نظر بگیریم که در دو مرحله متفاوت اعمال می‌گردد: نخست در مرحله تعیین مجازات توسط قانون‌گذار و دوم در مرحله تعیین مجازات توسط مقامات قضایی تعیین‌کننده مجازات. تعیین مجازات در مرحله قانون‌گذاری به صورت منطقی تابع اصول فلسفی خاص خود است که قانون‌گذاران ملزم به تبعیت از آن‌اند. گرچه اصل قانونی بودن اقتضای آن را دارد که قاضی مجازات را به همان‌گونه که در قانون تعیین شده است، مورد حکم قرار دهد؛ با این حال، اصول و قواعد خاصی بر تعیین مجازات در این مرحله حاکم است که در بسیاری از موارد متفاوت از آن چیزی است که مد نظر قانون‌گذار بوده و البته از بسیاری از جهات عمل‌گراتر و کاربردی‌تر است. این اصول در سطح گسترده شامل اصول حاکم بر بزه، بزه‌کار و بزه‌دیده می‌شود که هر یک اثرات خاص خود را بر جای خواهد گذاشت. با این حال، آنچه به عنوان اساس تعیین مجازات در این زمینه قابل ذکر است، قابلیت سرزنش‌پذیری مرتکب و میزان زشتی عمل ارتكابی او در فرایند ارتكاب جرم است. بی‌تردید این اصول در ابتدا باید توسط قانون‌گذار تعیین شده باشد و تنها اختیار اعمال آن به صورت صلاح‌دید است و از همین رو جدای از منطق قانون‌گذار در زمان وضع قانون نیست.

کلید واژگان:

اختیارات قضایی، تعیین مجازات، صدمه ناشی از جرم، مجازات.

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

قانون گذاران کیفری با در نظر گرفتن اهمیت و شدت هر جرم مجازاتی را پیش‌بینی می‌کنند که تطبیق آن با موارد خاص و انطباق آن با شرایط مرتکب و و اوضاع و احوال هر پرونده بر عهده مقام قضایی تعیین‌کننده مجازات است و بدین ترتیب در کنار توجه قانون به برخی از شاخصه‌های تناسب در حین نگارش قانون، رعایت تناسب، به ویژه در ارتباط با مجرم و ویژگی‌های او را به قضات تعیین‌کننده مجازات واگذار می‌کند.^۱ این نگاه بیانگر اعطای اختیارات قضایی در تعیین مجازات است.

با این توصیف، پس از پذیرش کلیت این اصل که در زمینه تعیین مجازات باید به قاضی تعیین‌کننده مجازات تفویض اختیار صورت بگیرد، در مرحله بعد باید در اندیشه طراحی و مهندسی حدود اختیارات تفویض شده و نحوه اعمال آن بود تا از این طریق اختیارات صلاحیدی قضات منجر به تکثر و بی‌برنامگی در تعیین مجازات نشود؛ چراکه این آشفتگی سیاست جنایی قضایی در زمینه تعیین مجازات و تشتت آرای کیفری یکی از مهم‌ترین پیامدهای این امر خواهد بود.^۲ از این رو، حدود اختیارات قاضی، ضوابط حاکم بر اعمال اختیارات و آزادی مطلق یا مقید قاضی در بهره‌گیری از اختیارات واگذار شده، از جمله موضوعاتی است که پس از توافق بر لزوم تفویض اختیار، نیازمند تدبیری خردمندانه و منطقی است.^۳ نکته اساسی در این میان که می‌تواند محل مناقشه جدی قرار بگیرد، این است که اختیارات صلاحیدی قضات تعیین‌کننده مجازات باید بر اساس چه مبنایی استوار باشد و به علاوه این صلاحیدها تا چه اندازه می‌توانند اعمال گردند؟ واقعیتی که در این راستا وجود دارد، این است که در بسیاری از موارد، قانون‌گذار اقدام به تعیین حداکثر مجازات در خصوص یک جرم نموده و گاهی نیز فقط حداقل آن را معین کرده

۱. آماده، غلامحسین، ضابطه‌مندی اختیارات قضایی در تعیین مجازات در نظام کیفری ایران،

انگلستان و مصر، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، شهریور ۱۳۹۰، ص ۹۳.

۲. صبوری پور، مهدی، نظام مند سازی کیفرگزینی تعزیری در حقوق ایران، مجله مطالعات حقوق

کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷، شماره ۱، ص ۱۲۸.

۳. آماده، غلامحسین، پیشین، ص ۵.

است. در چنین مواردی، تعیین مجازات به صورت دقیق امری است در اختیار دادگاه.^۱ با این حال، همان گونه که قانون‌گذار در زمان جرم‌انگاری و تعیین مجازات باید خود را تابع یک سری از اصول و قواعد منطقی بداند، تعیین‌کنندگان قضایی مجازات نیز از این اصل مستثنا نیستند و قطعاً باید تابع ضوابط خاص خود باشند.

زمانی که بتوانیم به چالش‌های گفته شده پاسخی مناسب و در خور بدهیم، می‌توانیم به ظهور وصف تناسب^۲ در مجازات‌ها امیدوار باشیم که امروزه به عنوان یکی از ضرورت‌های تعیین مجازات مورد پذیرش قرار گرفته است.^۳

عواملی که می‌تواند بر تعیین مجازات مؤثر باشد، یا مرتبط است با جرم، یا با مجرم و یا با بزه‌دیده. این سه عامل همان‌هایی‌اند که وجود یک پدیده مجرمانه را عینیت می‌دهند و از همین منظر می‌توانند در ادامه بر میزان مجازات نیز اثر بگذارند. به دلیل گستردگی بحث، آنچه در این مقال بدان پرداخته خواهد شد، تنها عوامل ناظر بر جرم خواهد بود و نخستین گام در این راه، ارائه دیدگاهی کلی در خصوص ماهیت، مبنا و منطق حاکم بر یک بزه قانونی است.

۱. سبزواری نژاد، حجت، **نقش قربانی جرم در تعیین مجازات در قوانین کیفری ایران و انگلستان**، رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹، صص ۸۴-۸۳.
۲. تناسب یکی از اصول کلی برخاسته از اندیشه سزاگرایی در زمینه مجازات است. در این معنا، مجازات باید با جرم متناسب باشد؛ چرا که جرم نقض قانون است و مجازات باید بر اساس میزان نقض قانون صورت گیرد و همین نقض قانون بیانگر میزان خطایی است که مجرم مرتکب شده است.
- در این خصوص رک: سبزواری نژاد، حجت، **جایگاه اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران و انگلستان**، دو فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۷۷ و ۷۸.
۳. اهمیت و ضرورت تناسب در زمینه تعیین مجازات تا حدی است که برخی فقدان تناسب در مجازات را به معنای نقض کرامت انسانی در اعمال مجازات می‌دانند. رک: رحیمی نژاد، اسماعیل و محمد جعفر حبیب‌زاده، **مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی**، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۲. در توجیه این موضوع آمده است: مجازات‌های شدید و خشن و نامتناسب با جرم ارتكابی از آن جهت که یک نوع استفاده ابزاری از انسان مجرم برای رسیدن به یک هدف است، با حیثیت و کرامت ذاتی انسان مغایر است. انسان‌ها حق دارند در مقابل این گونه رفتارها و مجازات‌ها که در واقع به معنای انکار غایت بودن انسان است، مصون باشند.
- برخی حتی از این نیز فراتر رفته، اصل تناسب را بر اساس باور اعتقادی و بر مبنای انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و خدانشناسی استوار می‌دانند (رک: علیان، عیسی و محمد فاکر میبیدی، **تناسب جرم و مجازات بر اساس آیات قصاص**، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات تفسیری، سال نهم، زمستان ۱۳۹۷، ص ۳۸، شماره ۳۶).

از حیث قانونی در خصوص این مسئله ابتدایی که جرم چیست و چگونه یک رفتار در قالب قانون به عنوان جرم قلمداد می‌شود، مباحث و اختلاف نظرها فراوان است.^۱

گرچه صرف جرم بودن یک عمل به تنهایی مبنایی برای مجازات کردن مرتکب آن رفتار محسوب می‌شود، با این حال چگونگی اعمال مجازات نیز نیازمند به مینا و منطق خاص خود است. به این معنا که صرف جرم‌انگاری یک رفتار در قانون نمی‌تواند همه آنچه را که در خصوص مجازات لازم است، برای ما بازگو نماید و از این رو وجود و ارائه یک منطق مشخص در زمان تعیین مجازات ضروری است. ملزم ساختن دادگاه به ارائه یک توجیه عقلانی برای مجازات انتخابی علاوه بر آنکه دقت نظر قاضی را افزایش می‌دهد، تعیین کیفر را نیز ضابطه‌مند نموده، افکار عمومی را نسبت به صحت عملکرد دستگاه عدالت کیفری خوشبین می‌سازد. اهمیت این الزام از آن روست که در صورت فقدان چنین شرایطی زمینه سوءاستفاده از اختیارات قانونی افزایش یافته، دستگاه قضایی در مظان اتهام اعمال نفوذ قرار خواهد گرفت.^۲

گرچه پذیرش چنین اختیاری برای قضات تعیین‌کننده مجازات امری پذیرفته شده است، همواره بیم آن می‌رود که صلاح‌دیدهای گسترده منجر به برخوردهای متفاوت یا حتی در مواردی تبعیض آمیز گردد. بدین روی، با توجه به اختیارات گسترده در زمینه تعیین مجازات و احتمال بروز

۱. بر اساس نظرات موجود، جرم‌انگاری یا در قالب نوعی سیاست‌گذاری ارزشی، مبتنی بر انتزاعات ارزشی در جامعه است و یا اینکه در قالب یک نوع سیاست‌گذاری علمی/تجربی مبتنی بر نتایج زیانبار حاصل از یک رفتار است. رک: Herring, Jonathan, *Basic Concepts of Criminal Law*, Routledge, First Published 2010. Ashworth, Andrew, *Principles of Criminal Law*, New York: Oxford University Press, Fifth Edition, 2006, p 30.

برای بررسی در زمینه اصل ضرر در جرم‌انگاری رک: روستایی، مهرانگیز، **مقایسه تطبیقی اصل ضرر و قاعده لاضرر در توجیه مداخله کیفری**، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۹، تابستان ۹۴، شماره ۲؛ میل، جان استوارت، **رساله درباره آزادی**، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۹۵؛ محمودی جانکی، فیروز، **مبنای فلسفی منع حقوقی و کیفری ایراد ضرر به خود مطالعه موردی الزام استفاده از کمربند و کلاه ایمنی در رانندگی**، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۷، بهار ۱۳۸۶، شماره ۱.

بر اساس این رویکرد درجه خطری که از عمل مرتکب متوجه نظم عمومی جامعه می‌شود، مبنای اصلی جرم‌انگاری است و اساساً تا زمانی که عملی باعث اختلال در نظم عمومی جامعه نشود، از طرف قانون‌گذار جرم تلقی نمی‌شود و اختلال در نظم عمومی جزء ماهیت اصلی جرم است (رحمدل، منصور، **تناسب جرم و مجازات**، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

۲. آماده، غلامحسین، پیشین، ص ۶۷.

اختلاف در رویه‌های مربوط به تعیین مجازات، راهکارهای چندی در نظر گرفته می‌شود که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

در سیستم حقوقی ایران علی‌رغم ابتدای آن بر نظام کلی حقوق نوشته، اختیارات صلاحیدی قضات تعیین‌کننده مجازات گسترده بوده، جز از طریق مقررات قانونی و به صورت گاه به گاه از طریق بخشنامه‌های قضایی ساختارمند نمی‌شود. گرچه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۱۸ تلاش نموده است برخی از شاخص‌های مد نظر به منظور رعایت تناسب را به صورت صریح قید کند، همچنان ابهامات موجود هم از حیث قانونی و هم از حیث اجرایی بیش از آن چیزی است که بتوان ادعای ساختارمند شدن اختیارات صلاحیدی را مطرح کرد. با این حال، از کلیت ماده ۱۸ مورد بحث و سایر مقررات قانونی موجود می‌توان اصول مرتبط با جرم را به شرح زیر توصیف کرد.

۱. ارتکاب جرم به شیوه خشونت‌آمیز

خشونت همواره یکی از مؤلفه‌های اساسی تشکیل‌دهنده جرم است؛ به این معنا که جرم همیشه متضمن بر هم زدن تعادل میان مرتکب و بزه دیده است و از آنجایی که این وضعیت از طریق اعمال زور و قدرت صورت می‌گیرد، همواره خشونت یکی از شاخص‌های جرم است. با این حال، میزان خشونت به کار رفته در جرایم همواره یکسان نیست و بر اساس عوامل بسیاری افزایش یا کاهش می‌یابد. آنچه در این میان باید مد نظر قرار بگیرد، این است که هر چه خشونت نهفته در یک رفتار مجرمانه بیشتر باشد، به دلیل قابلیت سرزنش پذیری بیشتر آن رفتار، جرم را نیازمند مجازات شدیدتری می‌گرداند.

اصل تناسب مجازات با جرم ارتكابی، بدین معنا که مجازات باید از حیث شدت با رفتار ارتكابی متناسب باشد، از الزامات اولیه و ابتدایی انصاف است. از نظر سنتی فلسفه کیفری شامل دو سنت فایده‌گرا (بر اساس دیدگاه‌های بنتام)^۱ و سنت سزاگرا (بر اساس دیدگاه‌های کانت)^۲

۱. بحث در خصوص این موضوع فراوان است که مجال ورود به آن نیست. برای اطلاعات بیشتر رک: رستمی، هادی و واحد سلیمی، **رویکرد فایده‌گرایانه به مجازات در پرتو نظریه بنتام**، نشریه اندیشه‌های حقوق کیفری، سال اول، زمستان ۱۳۹۴، شماره ۱.

۲. برای اطلاعات بیشتر رک: جوان جعفری، عبدالرضا و محمد جواد، ساداتی، **سزاگرایی در فلسفه کیفر**، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱.

می‌شود که رویکرد نخست الزامات مبتنی بر تناسب را نادیده می‌گیرد و رویکرد دوم به چرایی اعمال مجازات به صورت کامل توجه ندارد. بالاین‌حال، فلاسفه کیفری جدید به موضوع تناسب و منطقی آن توجه دارند و حتی مرز میان تناسب کمی و کیفی را نیز لحاظ می‌کنند. اصل تناسب به نحو فزاینده‌ای ساده و غیر قابل مناقشه به نظر می‌رسد؛ زیرا هر کسی می‌داند که مجازات باید مناسب جرم باشد و تعیین کنندگان مجازات به واسطه مقررات قانونی ملزم دانسته شده‌اند تا مجازاتی را تعیین کنند که متناسب با شدت جرم ارتكابی باشد.^۱

اصل کلی قصاص (چشم در برابر چشم) که به صراحت و به طور مستقیم بر میزان صدمات ناشی از یک رفتار تکیه می‌کند، می‌تواند با توجه بیشتر به قصد مرتکب و برقراری ارتباط بین قصد و نتیجه حاصله از رفتار مرتکب نیز توضیح داده شود. توضیح آنکه یک ضربه مشت ساده که در حالت عصبانیت به دیگری زده می‌شود، در برخی مواقع ممکن است منجر به نتیجه‌ای جبران‌ناپذیر همچون مرگ دیگری گردد^۲ و از طرف دیگر یک قصد برنامه‌ریزی شده برای کشتن دیگری در برخی مواقع ممکن است هیچ نتیجه مجرمانه‌ای در بر نداشته باشد. گرچه در فرض مذکور نتیجه حاصله در موارد اتفاقی، شدیدتر از نتیجه رخ داده در موارد برنامه‌ریزی شده است، باید توجه داشت که بدون توجه به قصد مرتکب و تنها بر مبنای نتیجه حاصله نمی‌توان در خصوص موضوع قضاوت و مجازات را فقط بر اساس آن تعیین نمود. به طور کلی، عموم مردم از دستگاه عدالت کیفری توقع دارند که نه فقط به صدمات ایجاد شده، بلکه به قابلیت سرزنش مرتکب واکنش نشان دهد.^۳

اینکه چگونه سیستم‌های متفاوت عدالت کیفری، مفاهیم صدمه و قابلیت سرزنش برای تعیین مجازات متناسب را تعریف کرده، تشخیص می‌دهند، خود ناشی از مشخصه‌هایی است که به هر سیستم، ویژگی منحصر به فرد خود را می‌دهد. نظام مجازات در سیستم‌های حقوقی مختلف، دارای ساختاری متفاوت است که از عوامل تخفیف‌دهنده و تشدیدکننده متفاوت استفاده می‌کند. بالاین‌حال، همواره پرسش‌های دشواری درباره ارزیابی صدمه ایجاد شده در نتیجه جرم

1. See: Section 107 of Criminal Justice Act 2003.

2. The SAP consultation document cites R V. Coleman 95 cr APP R 159 and R V. Hughes 10 cr APP (s) 169.

3. See: Robinson, For a useful discussion of public, US legal models of sentencing, 2006.

وجود دارد. تشخیص قابلیت سرزنش حتی از تعیین میزان صدمه هم پیچیده تر است. به عبارت دیگر، تشخیص شدت جرم اقتضای آن را دارد که تعیین کنندگان مجازات ترکیب پیچیده‌ای از عوامل مختلف را که باید به دیگر عوامل و دلایل ارتکاب جرم ضمیمه شود، مورد توجه قرار دهند. علاوه بر آن، مورد دیگری که باید مد نظر قرار گیرد، انطباق میان دیدگاه‌های عمومی و قضایی در خصوص عوامل مخففه و مشدده در تشخیص بار اخلاقی و ارزشی جرم است که این خود متضمن بررسی شدت جرم در هر پرونده است.

با این حال، این پرسش همچنان قابل طرح است که چرا مجازات باید متناسب با جرم باشد؟ و اساساً چرا تصور بر این است که مجازات متناسب عادلانه‌تر از مجازات نامتناسب است؟ برخی از نظریه پردازان اروپایی بر این عقیده‌اند که اصل تناسب ممکن است بر مبنای نظریهٔ پیشگیری از جرم - به‌ویژه بر مبنای آن چیزی که آن را پیشگیری کلی فعال^۱ می‌نامند- بنا شده باشد.^۲ پیشگیری کلی فعال از بازدارنگی ساده متفاوت است. این تفاوت نه از نظر تأثیر ارباب آور ضمانت‌اجراهای کیفری است، بلکه از نظر تأثیر فعال آن در الزام شهروندان به پایبندی به اخلاق در مقابله با رفتارهای خشن و غیر انسانی است.^۳ این ایده برای کسانی که در پی ایجاد یک فلسفهٔ کیفری آینده‌نگرند، جذاب است. یک ساختار ضمانت‌اجراها که در آن ضمانت‌اجراهای تحمیل شده به‌طور نسبی شدت جرایم را منعکس می‌کند، به وسیلهٔ شهروندان عادلانه‌تر قلمداد می‌شود و این برداشت شهروندان را بهتر قانع می‌کند که به خود محدودیتی روی آورند. این بحث مشابه با دیدگاه مطرح شدهٔ هارت است که بر اساس آن اصل تناسب، احترام به قانون را افزایش می‌دهد. در خصوص پیشگیری فعال کلی باید گفت که حتی وجود آن نیز بدین معنا نیست که می‌توان به سادگی از نظر تجربی آن را تأیید کرد؛ با این حال، این مفهوم یک مفهوم کاملاً قابل قبول است. به نظر می‌رسد که ضمانت‌اجرای کیفری (به شیوهٔ مستقیم یا غیر مستقیم) لااقل تا حدودی تردیدهای اخلاقی شهروندان در خصوص ارتکاب جرم علیه دیگران را مورد تقویت یا

1. Positive general prevention

2. Ewing, A. C, *The Morality of Punishment*, Montclair, N.J, Patterson Smith, 1970 (Originally published 1929) .

3. Andenaes, Johannes, *Punishment and Deterrence*, Ann Arbor: University of Michigan Press, 1974, pp 111-128.

حمایت قرار می‌دهد. با این حال، نکته این نیست که آیا پیشگیری کلی فعال وجود دارد یا خیر، بلکه نکته اینجاست که آیا می‌تواند مبنای ضمانت‌اجراهای متناسب را ایجاد کند یا خیر؟^۱

قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ انگلستان برای نخستین بار تلاش کرد تا چهارچوب منسجمی برای سیاست تعیین مجازات تعریف کند و بدین منظور بود که واکنش در برابر جرایم شدید و جرایم سبک را از هم تفکیک کرد. ویژگی این قانون کاهش موارد کیفر حبس و توسل به مجازات‌هایی بود که باید در جامعه علیه بزهکاران به اجرا گذاشته شود. به همین دلیل قسمت‌های اصلی قانون بر مبنای نظریه «آنچه شایسته است» یا «مجازات‌های استحقاقی» تنظیم شد. بر این اساس، مجازات‌ها باید بر مبنای شدت جرم تعیین و صادر شوند.^۲ در ادامه این سیاست در ماده (۱) ۱۴۳ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ انگلستان نیز بیان گردیده است که دادگاه

۱. می‌توان در پاسخ به پرسش فوق دلیلی را مطرح کرد. با این حال نباید از این واقعیت غافل بود که پرسش‌های مبنایی در خصوص مجازات ممکن است تا نهایت ادامه داشته باشد:

نخست اینکه بحث از پیشگیری کلی فعال بر این فرض قرار دارد که شهروندان ضمانت‌اجراهای متناسب را منصفانه‌تر می‌دانند. این از آن روست که دولت به منظور تضمین اعتبار اخلاقی ضمانت‌اجراها باید مجازات را متناسب با شدت جرم در نظر بگیرد. به همان اندازه که مفهوم نسبی در ذهن عموم با قوانین کیفری تفاوت دارد، عدم تناسب مجازات نمی‌تواند اعتبار سیستم عدالت کیفری را نادیده گرفته یا تحت‌الشعاع قرار دهد.

دوم اینکه پیشگیری کلی فعال از جرم تنها یکی از راهکارهای پیشگیرانه است که باید با سایر راهکارها همچون بازدارندگی و ناتوان‌سازی هماهنگ باشد. اگر سنگ محک و معیار ما پیشگیری باشد، در آن صورت ممکن است اصل تناسب قربانی شده، جای خود را به راهکارهایی بدهد که در پی کاهش ارتکاب جرم هستند. یک نظام مجازات ممکن است بر اساس معیار شدت جرم بسیار خشن قلمداد شود اما بر اساس ضمانت‌اجراهای بازدارنده یا ناتوان‌کننده موجود تا حد زیادی ملایم‌تر و قابل پذیرش قلمداد گردد. به هیچ وجه در این طرح، اصل تناسب قربانی نخواهد شد؛ زیرا پیشگیری نیز تنها یکی از راهکارهای کنترل جرم است.

سوم اینکه بحث پیشگیری کلی فعال این نکته را مد نظر قرار نمی‌دهد که اصل تناسب نه تنها یک اصل خردمندانه و منطقی، که یک اصل اخلاقی است. اعمال مجازات‌های نامتناسب نادرست است؛ تنها به این دلیل که نتیجه معکوس می‌دهد. این نادرست بودن را تنها بر اساس نگرش شهروندان به مجازات نمی‌توان توضیح داد، بلکه این امر از نظر اخلاقی نیز نادرست و نابجاست.

۲. مهرا، نسرین، **کیفر و چگونگی تعیین آن در فرایند کیفری انگلستان (با تأکید بر کارکردهای کیفر)**، مجله تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۶، شماره ۴۵، ص ۸۴.

ملزم است در بررسی شدت جرم،^۱ هم میزان صدمه به قربانی جرم را در نظر بگیرد و هم قابلیت سرزنش آن را.^۲

۲. قابلیت سرزنش مرتکب

در کنار تناسب مجازات با جرم، تعیین مجازات بر اساس قابلیت سرزنش، ناظر بر شخصیت بزهکار بوده و معیار تشخیص آن از نظر علمی، شیوه ارتکاب جرم است و در واقع شیوه ارتکاب جرم است که نشان می‌دهد بزهکار تا چه اندازه قابلیت سرزنش دارد. این از آن روست که رسیدن به یک نتیجه مجرمانه می‌تواند از طریق توسل به خشونت بسیار باشد یا اینکه می‌تواند خشونت کمتری را به همراه داشته و بیشتر مبتنی بر غافلگیری یا مخفیانه باشد.

شیوه ارتکاب جرم در این مفهوم، می‌تواند بر اساس میزان خشونت به کار رفته در رفتار مجرمانه معنا یابد؛ با این توضیح که هر چه رفتار مجرمانه مؤید وضعیت نامتعادل بیشتری بین طرفین درگیر در یک فرایند مجرمانه باشد، جرم شدیدتر قلمداد شده، قابلیت سرزنش بزهکار افزایش خواهد یافت. آنچه که این بی‌تعادلی در روابط طرفین را ایجاد کرده یا به آن دامن می‌زند، می‌تواند ناشی از وضعیت یا شخصیت بزهکار باشد یا ناشی از وضعیت بزه‌دیده باشد.^۳

حتی با این فرض که جرم به نوعی خشونت را در دل خود دارد و همواره ارتکاب یک جرم مستلزم بر هم زدن یک تعادل بین طرفین به نفع بزهکار است، برای اینکه محروم کردن بزهکار از آزادی اش قابل توجیه باشد، باید احراز شود که مهار مجرم و مجازات بزهکار از نظر منطقی ضروری است. بنابراین میزان مجازات باید متناسب با جرم ارتكابی باشد. تلاش برای توجیه مجازات برای هر میزان که باشد، بدون توجه به اصل تناسب میان جرم ارتكابی و طول مدت

1. Seriousness

۲. این بدان معنا نیست که این اصل در حقوق انگلستان، اصلی قطعی است؛ چرا که به عنوان نمونه در قانون امنیت و ضدتروریسم ۲۰۰۱ و نیز در سایر مواد قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ از جمله در بخش ۷ این قانون، عدول از اصل تناسب به جهت حمایت عمومی (Public Protection) یا جنسی و خشن بودن (Sexual and Violent) یا مذهبی بودن جرم مورد پذیرش قرار گرفته است.

۳. اگر این استدلال را بپذیریم، شدت جرم چندان با قابلیت سرزنش متفاوت نخواهد بود. گرچه این دو عامل جدای از یکدیگر بررسی می‌شوند ولی با توضیح گفته شده قابلیت سرزنش خود تا حد زیادی از شیوه ارتکاب و خشونت نهفته در رفتار سرچشمه می‌گیرد.

مجازات، به معنای نادیده گرفتن چیزی است که دقیقاً در قلب کرامت انسانی جای دارد. انسان کالا نیست که بتوان روی او قیمت گذاری کرد. او دارای ارزش ذاتی و بی‌نهایت است. با وی فی‌نفسه به عنوان یک هدف باید رفتار کرد و نه صرفاً به عنوان وسیله‌ای برای نیل به هدف.^۱

۲.۱. قابلیت سرزنش بر اساس وضعیت بزهکار

تأثیر شخصیت بزهکار در میزان مجازات در رابطه با تقابل جرم‌شناسی و حقوق کیفری ارتباط پیدا می‌کند. از سال ۱۷۶۴ م که با نگارش کتاب *انسان بزهکار* نوشته سزار لومبروزو، جرم‌شناسی متولد شده، آثار این اندیشه در حقوق کیفری تبلور یافته است. علاوه بر تأثیری که این عامل در تعیین مجازات قانونی دارد، آثار آن نه فقط در ضرورت توجه به ارتکاب جرم، بلکه از حیث لزوم توجه به میزان تقصیر بزهکار و نهایتاً تأثیر آن در میزان مجازات، چه از حیث تشدید یا تخفیف مجازات، متبلور شده است^۲ که تشکیل پرونده شخصیت از ضرورت‌های اولیه برای نیل به این مهم در فرایند تعیین مجازات است.^۳

سرزنش‌پذیری بیشتر بزهکار بر این اساس ممکن است ناشی از وضعیت‌های فردی و جسمانی وی باشد یا اوضاع اجتماعی او. در فرض نخست، بزهکار از نظر فردی یا جسمانی در موقعیت برتری قرار دارد؛ مانند آنکه از ابزار برتری دهنده استفاده می‌کند یا آنکه از قدرت جسمانی برتری برخوردار است. مانند آنکه بزهکار از ابزار قهرآمیز مانند سلاح گرم یا سرد استفاده می‌کند^۴ یا آنکه بزهکار در موقعیتی باشد که به صورت مشخص در نتیجه سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت در وضعیت برتری به منظور ارتکاب جرم قرار داشته باشد. در چنین مواردی به دلیل آنکه خشونت نهفته در رفتار ارتكابی بیشتر است، جرم شدیدتر قلمداد شده، مرتکب مستحق مجازات شدیدتری است.

۱. رحیمی‌نژاد، اسماعیل و محمدجعفر حبیب‌زاده، *مجازات‌های نامتناسب؛ مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی*، پیشین، ص ۱۲۸.

۲. رک: شاملو، باقر و مهدی گوزلی، *پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه*، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۰، شماره ۲.

۳. صبوری پور، مهدی، پیشین، ص ۱۳۰.

۴. باید توجه داشت که این ابزارها می‌توانند در شیوه ارتکاب جرم نیز اثر داشته باشند و از بسیاری از جهات با شاخص‌های مربوط به جرم هم‌پوشانی پیدا کنند.

۲.۲. قابلیت سرزنش بر اساس وضعیت بزه‌دیده

وضعیت بزه‌دیده و بزه‌کار در زمینه تعیین مجازات چندان مستقل از هم نیستند. باین حال، از آنجایی که بزه‌دیده همواره در حقوق کیفری به عنوان کنش‌گری مستقل در نظر گرفته می‌شود، در این گفتار نیز مجزای از بزه‌کار مطرح گردیده است. بزه‌دیده هم در حقوق کیفری ماهوی و هم در حقوق کیفری شکلی مورد توجه است. در ابتدای شکل‌گیری جوامع بشری، حق اجرای مجازات برای بزه‌دیده یک حق کاملاً شخصی بود و از همین جهت دوره‌های آغازین حقوق کیفری را دوره انتقام خصوصی می‌نامند. باین حال، فلاسفه اولین گروهی بودند که درصدد مخالفت با این موضوع برآمدند و رفته رفته پذیرفته شد که مجازات حق جامعه است و مقامات حکومتی به نمایندگی از جامعه باید در مورد بزه‌کار اعمال کنند.^۱ باین حال، این امر هیچگاه منجر به آن نشد که بزه‌دیده به‌طور کلی از فرایند تعیین مجازات کنار گذاشته شود.

امروزه نقش بزه‌دیده در وقوع جرم را در دو دسته متفاوت می‌توان قرار داد. بر اساس این دسته بندی بزه‌دیدگان یا مستحق حمایت بیشترند یا مستحق سرزنش و آن‌گونه که از عمومات حقوق کیفری برمی‌آید، هر چه بزه‌دیده قابل حمایت بیشتر باشد، مجازات شدیدتر و هر چه مجازات سرزنش بیشتری را به خود جلب کند، مجازات خفیف‌تر خواهد بود. این معادله تا جایی ادامه دارد که در مواقعی که بزه‌دیده به صورت صد درصد مقصر است،^۲ مجازات به‌طور کامل از بزه‌کار برداشته می‌شود.

گرچه قوانین کیفری در نگارش خود به این موضوع به صورت کلی توجه داشته‌اند، باین حال، آنچه جای بحث دارد، تشخیص هر یک از موارد فوق و درجه بندی میزان تقصیر یا آسیب‌پذیری بزه‌دیده است که تعیین آن به نظر قاضی تعیین‌کننده مجازات بستگی دارد.^۳

۱. شیری، عباس، **حق بزه‌دیده در تعیین کیفر و نحوه اجرای آن**، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، بهار ۱۳۹۷، شماره ۸۱، ص ۸۱.

۲. نمونه آن در حقوق کیفری دفاع مشروع است.

۳. برخی از نویسندگان واگذاری این اختیار به قضات تعیین‌کننده مجازات را با ایراد مواجه دانسته‌اند؛ زیرا اجرای عدالت اقتضا می‌کند در تمام موارد که بزه‌دیده دیگری را تحریک کرده و موجب وقوع جرم شده است و یا خود یک وضعیت پیش‌جنایی را فراهم آورده، به تناسب تقصیر و خطای او از مجازات مجرم کاسته شود. بنابراین اختیاری بودن تخفیف مجازات و یا تعلیق آن در چنین شرایط و اوضاع و احوالی به منزله نادیده گرفتن یافته‌های دانش بزه‌دیده‌شناسی علمی و فاصله گرفتن از معیارهای دادرسی عادلانه است. پس بهتر آن بود که قانون‌گذار در ←

نقش بزه‌دیده در کاهش یا افزایش مجازات از آن روی معنا می‌یابد که مسئولیت کیفری، واحدی قابل تکثیر نیست و در عوض قابلیت تقسیم دارد. به این معنا که در خصوص هر رفتار مجرمانه، ما با یک واحد مسئولیت کیفری مواجهیم که این واحد می‌تواند در ارتباط بین بزهکار و بزه‌دیده تقسیم شده، هر یک از آنان سهمی را از این مسئولیت ببرند. اگر بزه‌دیده را سهمی از این مسئولیت باشد، به صورت تخفیف در مجازات بزهکار خود را نشان می‌دهد و در غیر این صورت منجر به شدت بیشتر مجازات خواهد شد. نمونه بارز وضعیت‌های فردی بزهکار که منجر به بی‌تعادلی در یک فرایند مجرمانه به نفع بزهکار می‌شود، به صورت مشخص در جرایم ارتكابی علیه کودکان یا افراد آسیب‌پذیر (موضوع ماده ۶۲۱ یا ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی) قابل مشاهده است. همین معادله در زمان تعیین مجازات نیز توسط قضات تعیین‌کننده مجازات رعایت و به همین ترتیب تعیین مجازات خواهد شد.

در سوی دیگر، بزه‌دیدگان مقصر قرار دارند. بزه‌دیدگان مقصر در واقع کسانی‌اند که با رفتار خود، مجرم را به ارتکاب جرم تحریک می‌کنند یا به علت حمله و تجاوز به دیگران در مقام رفع تجاوز از طرف مدافع، بزه‌دیده واقع می‌شوند. این بزه‌دیدگان در حقیقت خود مقصرند؛ خواه اینکه بیش از بزهکار مقصرند یا تنها مقصر در فرایند بزه‌دیدگی، خود آنها هستند،^۱ یا آنکه به اندازه بزهکار یا حتی کمتر از بزهکار مقصرند.

چنان که قبلاً نیز گفته شد، هر چه میزان تقصیر بزه‌دیده بیشتر باشد، مسئولیت به همان نسبت از دوش بزهکار برداشته و از مجازات وی کاسته می‌شود و در عوض قابلیت سرزنش‌پذیری بزه‌دیده افزایش پیدا می‌کند و این از آن‌روست که عدالت و انصاف حکم می‌کند که به نسبتی که مجنی علیه خود در وقوع جرم سهم داشته است، از میزان مجازات بزهکار کاسته شود.^۲

→ این قبیل موارد تحریک خود مجنی علیه را به عنوان عذر اجباری تخفیف‌دهنده یا معاف‌کننده از مجازات پیش‌بینی کند (رحیمی نژاد، اسماعیل و محمدجعفر حبیب‌زاده، پیشین، ص ۱۲۵).

۱. فیلیزولا، ژینا و لیز ژراز، *بزه‌دیده و بزه‌دیدہ‌شناسی*، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۵۳.

۲. اردبیلی، محمد علی، *حقوق جزای عمومی*، جلد ۲، تهران: میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۳، ص ۲۱۱.

۳. نتایج و پیامدهای حاصل از ارتکاب جرم

این معیار از این نظر که بر طبیعت جرم ارتكابی، نوع و میزان صدمه وارده در تعیین و اعمال مجازات تأکید می‌کند، قابل دفاع است؛ چراکه تا حدودی جلوی خودسری، هوی و هوس قانون‌گذار و قاضی در تعیین مجازات را می‌گیرد. با این حال، به این دلیل که به درجه و نوع تقصیر و انگیزه مرتکب و خصوصیات شخصیتی بزه‌کار و قربانی او بی‌توجه است، با انتقاداتی مواجه است؛ به گونه‌ای که نتیجه نهایی آن در برخی موارد چیزی جز بی‌عدالتی و بی‌تناسبی نیست.^۱ بر اساس این شیوه‌نگرش به مجازات، فرد بزه‌کار مجازات می‌شود؛ نه به این دلیل که از نظر اخلاقی سزاوار سرزنش است، بلکه به این خاطر که وسیله ارتکاب جرم و ایراد خسارت بر دیگران بوده است. این طرز تفکر به صورت اولیه و ابتدایی خود باعث شد که برخی از نظام‌های حقوقی اولیه تمامی ابزار صدمه از جمله حیوانات، اشیا و انسان را مجازات نمایند.^۲ این نگاه به مجازات، جرم‌انگاری را تنها بر اساس نتایج حاصل از یک رفتار توجیه می‌کند و برای آن مجازات در نظر می‌گیرد. مرجع قضاوت در تعیین مجازات میزان زیان و صدمه‌ای است که از رفتار مجرمانه حاصل شده است، فارغ از اینکه قصد مرتکب یا شخصیت او چه چیزی را اقتضا نماید.^۳ صدمه حاصل از یک رفتار را می‌توان در یک دسته‌بندی دوگانه بر اساس کمیت یا کیفیت دسته‌بندی کرد.

۳.۱. میزان صدمه از حیث کمی

نتایج زیانبار معمولاً با گستره نقض ارتباط دارند و در واقع هر چه نقض گسترده‌تر باشد، نتایج هم زیانبارتر هستند. با این حال، گستره نقض اغلب تعدد بزه یا بزه‌دیده را برای ما تعریف می‌کند و

۱. رحیمی نژاد اسماعیل و محمدجعفر حبیب زاده، پیشین، صص ۱۱۹-۱۱۸.

۲. کلارکسون، سی.ام.وی، *تحلیل مبانی حقوق جزا*، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول ۱۳۷۱، ص ۱۷.

۳. در برخی از موارد قانون‌گذار در تعیین مجازات به صدمه قطعی و ایجاد شده ناشی از جرم بی‌توجه بوده و مجازات را بر اساس صدمه احتمالی ناشی از جرم یا خطر ایراد خسارت تعیین می‌کند. مصداق این مورد را می‌توان در جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه مشاهده کرد. تعیین کیفر محاربه در مواردی همچون سوءقصد به جان رؤسای قوای سه‌گانه یا رهبر (موضوع ماده ۵۱۵ و ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی سابق) یا موارد متعدد جرایم موضوع قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ گواه بر این است که مجازات‌های تعیین شده سختی با صدمه ایجاد شده ندارند، بلکه صرف هراس ناشی از بروز یک نتیجه زیانبار است که ملاک تناسب در تعیین مجازات قرار می‌گیرد.

نتایج، اغلب ناظر بر پیامدهای کیفی است، هر چند می‌تواند پیامدهای کمی را نیز در بر بگیرد. مانند آنکه در سطح کمی و کیفی نتایج یک جرم زیانبار است که در مورد آن صحبت کرده شد. میزان صدمه از حیث کمی ناظر بر موردی است که رفتار واحد مرتکب، بزه دیدگان متعددی را در بر گرفته و افراد بسیاری را تحت تأثیر قرار داده است. نمونه این مورد را می‌توان در جرایم علیه توده مردم دانست؛ مانند بمب‌گذاری‌های بی‌هدف که افراد بسیار زیادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، حال آنکه مرتکب یک عمل واحد را صورت داده است.

۳.۲. میزان صدمه از حیث کیفی

میزان صدمه از حیث کیفی در برابر مورد نخست قرار می‌گیرد. کیفیت ناظر بر میزان صدمه وارده بر اساس میزان خسارت است، نه بر اساس تعداد زیان‌دیدگان. نمونه این مورد را می‌توان در جرمی مانند اختلاس کلان مشاهده کرد. گرچه بزه‌دیده این رفتار واحد است، زیان حاصله در نتیجه رفتار به اندازه‌ای گسترده است که از حیث قانونی، در مواردی قانون‌گذار مجازات محاربه را بر چنین مواردی بار می‌کند.

به طور کلی، کمیت و کیفیت مورد بحث در این قسمت می‌تواند جرم ارتكابی را به رده‌های بالای واکنش‌های کیفری سوق دهد و مجازات آن را با تغییر عنوان مجرمانه با افزایش همراه سازد.^۱

۱- نمونه‌هایی از این موارد را می‌توان در قانون مجازات اسلامی مشاهده کرد. با این وصف که قانون‌گذار خود این فرض را مورد تأیید قرار داده است که رفتار مجرمانه بر اساس نتیجه آن می‌تواند تغییر عنوان داده و به جرمی با مجازات شدیدتر تبدیل گردد. نمونه این نوع برخورد را می‌توان در مواد ۵۱۳ و ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی مشاهده کرد.

نتیجه‌گیری

گرچه مجازات کردن به عنوان اختیاری به حاکمیت واگذار شده است، این بدان معنا نیست که کیفر دادن تابع هیچ اصل و قاعده‌ای نیست. این قواعد خود ناشی از اصولی‌اند که در تعیین مجازات به‌ویژه در مرحله تعیین مجازات قضایی اثر می‌گذارند.

در همین راستا، شاخص‌های چندی باید مد نظر قرار گیرند که می‌توانند به جرم، مجرم یا بزه‌دیده مربوط باشند؛ آنچه به جرم مربوط می‌شود، شیوه ارتکاب و نتایج زیانبار ناشی از جرم را در بر می‌گیرد؛ اینکه جرم ارتكابی به صورت اتفاقی رخ داده باشد یا اینکه با سبق تصمیم، جرم ارتكابی تا چه حد متضمن خشونت باشد، آثار و پیامدهای آن تا چه حد بوده و چگونه منافع بزه‌دیده و مصالح اجتماعی را تهدید کند و ... از مهم‌ترین مواردی‌اند که می‌توانند شدت جرم ارتكابی را به تصویر بکشند. انگیزه ارتكاب جرم در نزد بزه‌کار، شخصیت اجتماعی بزه‌کار، وضعیت فردی و اجتماعی بزه‌کار و ... از عوامل شخصی مربوط به تعیین کیفرند که می‌توانند در تعیین مجازات متناسب^۱ مؤثر باشند و در نهایت میزان آسیب‌پذیری بزه‌دیده یا نقش او در ارتكاب جرم، مهم‌ترین عوامل مربوط به بزه‌دیده جرم است که می‌تواند در تعیین کیفر از حیث شدت و خفت و تناسب اثرگذار باشد.

اهمیت رعایت تناسب به گونه‌ای است که عدم رعایت تناسب بین شدت جرم و سنگینی مجازات باعث انحراف اثر بازدارندگی مجازات از کارکرد اصلی خود خواهد شد؛ زیرا حتی مجرمانی که جرایم خفیف مرتکب می‌شوند، کم‌کم به ارتكاب جرایم شدیدتر متمایل خواهند

۱. آنچه ابتدائاً از اصل تناسب به ذهن می‌رسد ناظر است بر تناسب مجازات با جرم. با این حال اصل تناسب مجازات با مجازات نیز موضوعی است که قانون‌گذاران کیفری نمی‌توانند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند. به این معنا که در زمان تبدیل مجازات، باید تناسبی بین دو مجازات رعایت گردد. می‌توان گفت که قانون‌گذار ایران در رابطه بین حبس و جزای نقدی تمایل بر آن داشته است که در برابر هر پانصد هزار ریال یک ماه حبس قرار دهد. ولی گاه از این دیدگاه عدول نموده و آن را رعایت نکرده است. در مورد رابطه بین شلاق و جزای نقدی در برخی موارد در برابر هر دو هزار و چهارصد تومان یک ضربه شلاق و در موارد دیگر در برابر هر هشت هزار تومان یک ضربه شلاق قرار داده است. در خصوص شلاق و حبس نیز قانون‌گذار رابطه‌ای منطقی بین آنها برقرار ننموده و از چهارده روز در برابر هر ضربه شلاق تا سیزده درصد یک روز در برابر هر ضربه در نوسان بوده است (رک: سبزواری نژاد، حجت، **نقش قربانی جرم در تعیین مجازات در قوانین کیفری ایران و انگلستان**، پیشین، ص ۸۳).

شد؛ زیرا طبق منطق بازدارندگی، اگر مجازات جرایم شدیدتر، سبک تر از جرایم خفیف باشد یا مجازاتی مساوی برای این دو دسته از جرایم وجود داشته باشد، مرتکبان جرم طبق قاعده محاسبه سود و زیان یا لذت و رنج حاصل از ارتکاب جرم، دلیل یا عاملی بازدارنده برای اجتناب از ارتکاب جرایم شدیدتر نخواهند یافت.^۱

باید توجه داشت که علیرغم پذیرش این قاعده که قضات تعیین کننده مجازات در واقع به مجازات‌های قانونی روح می دهند و با توجه به شرایط و اوضاع و احوال موجود مجازات را در چارچوبی متناسب به نحو عادلانه تری به اجرا می گذارند، رعایت این الزامات در عمل چندان هم ساده نیست. تأثیر ذهنیت‌های متفاوت و برداشت‌های مختلف بر تعیین این شاخص‌ها ممکن است به اندازه‌ای متفاوت باشد که در عمل مجازات‌های کاملاً متفاوت را به تصویر بکشد. نگاه قضات تعیین کننده مجازات به این مقوله خود برخاسته از برداشت و درک آنها از جایگاهی است که در آن قرار دارند و بر اساس نگاه آنها به مجازات و حتی تجربه آنها از بزه دیده واقع شدن تعیین می شود. به همین روی است که حتی اگر عوامل مؤثر بر تعیین مجازات به صورت دقیق مشخص شده باشد، باز هم نگاه متفاوت قضات جوان و تازه کار در مقایسه با تفکر قضات باتجربه، تفاوتی اساسی را در برخورد ایجاد کرده، نگاهی متفاوت را در فرایند تعیین مجازات به تصویر می کشد.

از همین روست که در سیستم‌های حقوقی راهکارهای اجرایی متفاوتی برای این موضوع اتخاذ شده است. از جمله این راهکارها در سیستم حقوقی ایران صدور بخشنامه‌های قضایی در خصوص چگونگی استفاده از مجازات است که بیشترشان رهنمودی برای قضات تعیین مجازات دارد.^۲

۱. الهام، غلامحسین و الهام محمدی مغان جوقی، مجازات متناسب از دیدگاه نظریه‌های بازدارندگی (با تأکید بر نظریه تعیین کیفر آلمان)، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۳، ص ۶۲.

۲. راهکارهای یکسان‌سازی اختیارات حاکم بر تعیین مجازات نیازمند بحثی مجزا است و علاقه‌مندان به این بحث به عنوان نمونه می‌توانند رک: مهرا، نسرین، راهکارهای یکسان‌سازی اعمال صلاحیتهای قضایی در زمینه تعیین مجازات، مجله دانش انتظامی، سال بیستم، بهار ۱۳۹۷، شماره ۱.

بخشنامه‌های صادره در خصوص موضوع از حیث تعداد متعدد و متنوع هستند. در این میان می‌توان به برخی از نمونه‌های آن اشاره کرد: ←

مشابه این مکانیسم ارشادی در حقوق کیفری انگلستان در قالب رهنمودهایی است که از جانب دو مرجع ذیصلاح صادر می‌شوند. به لحاظ فرایند طولانی تصویب قانون و اینکه قوانین نمی‌تواند در هر موضوعی جزئیات و شرایط جرم و مجرم را به صورت دقیق مد نظر قرار داده و بیان نمایند، این گونه تدابیر در عمل می‌تواند راهنمایی مفید و اقدامی مؤثر برای دادگاه‌ها در راستای ایجاد هماهنگی در آرای صادره از سوی آنها باشد.^۱ این رهنمودها که به صورت موردی در رابطه با جرایم خاص صادر می‌شوند، قاضی را در زمینه انتخاب نوع و میزان مجازات و چگونگی برخورد با متهم یاری و هدایت می‌کند.^۲

مطابق با ماده ۱۷۲ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳، دادگاه مکلف است در زمان تعیین مجازات به هر دستورالعملی که در ارتباط با موضوع صادر شده است، توجه نماید. دستورالعمل‌های مزبور در عین حال که در مرحله تعیین مجازات به عنوان مساعد و راهنما ایفای نقش می‌کنند، در تحدید اختیارات صلاحیدی قضات کیفری و به چالش کشیدن سنت حاکم بر نظام حقوقی انگلستان مبنی بر اختیارات نامحدود قضات نیز تا حدودی تأثیر گذار است.^۳

→ بخشنامه شماره ۱/۸۳/۵۲۲۳ با موضوع: رعایت تناسب جرم و مجازات در موارد تبدیل حبس به جزای نقدی در تخریب اموال تاریخی و... بخشنامه شماره ۱/۹۰۴۴۸۳ مورخ ۸۳/۶/۱۸ با موضوع موضوع: تعلیق اجرای مجازات، تأکید بر اعمال اختیارات قضات در تعلیق کیفرهای حبس، شلاق و جزای نقدی و ارسال آن به رئیس حوزه نظارت قضائی ویژه.

۱. سبزواری نژاد، حجت، نقش قربانی جرم در تعیین مجازات در قوانین کیفری ایران و انگلستان، پیشین، ص ۸۵.

این رهنمودها علاوه بر گزارش قبل از تعیین مجازات (Pre-sentence Report) است که این مورد اخیر نیز خود گامی به سمت و سوی تعیین مجازات‌های یکسان و اجتناب از چندگانگی در مجازات است.

۲. آماده، غلامحسین، پیشین، ص ۲۹۹.

3. Criminal Justice Act 2003.

۴. مهرا، نسرین، رویکرد عملی به رهنمودهای تعیین مجازات در نظام حقوقی انگلستان، مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی، تهران: میزان، ۱۳۸۸، ص ۶۸۹.

به رغم اهمیت فوق‌العاده این دستورالعمل‌ها در ساماندهی و قابل پیش‌بینی کردن مجازات، حقوقدانان انگلیسی نگرانند که مبدا اختیارات قضات که جزئی اساسی از سنت کامن لا است، تحت تأثیر این دستورالعمل‌ها اندک اندک کاهش یابد. با وجود این، از آنجایی که شورای تعیین مجازات هرگز در اندیشه تحدید اختیارات قضات نبوده و همواره بر انعطاف‌پذیری و تنوع مجازات‌ها تأکید دارد، موجبی برای نگرانی وجود ندارد (همان، ۶۹۳).

رهنمودهای مورد بحث در حقوق انگلستان از سوی دو مرجع ایجاد شده و قضات ملزم به تبعیت از آن‌اند:

- شورای مشورتی تعیین مجازات^۱

- شورای رهنمودهای تعیین مجازات^۲

همه این‌ها تلاشی است برای دست یافتن به تناسبی که قانون‌گذاران کیفری همواره قادر به تأمین آن نیستند و بی تردید خلاقیت و ابتکار قضات تعیین‌کننده مجازات را می‌طلبد تا با استفاده از منطق قانون‌گذار درصدد نیل به آن برآیند.

1. Sentencing Advisory Panel

شورای مشورتی تعیین مجازات با ریاست پروفیسور مارتین واسیک در جولای ۱۹۹۹ با ۱۱ عضو تاسیس شد و بعدها ۳ عضو جدید به آن اضافه شدند. چهار نفر از این اعضا از تعیین‌کنندگان مجازات، خواه قضات دادگاه صلح یا قضات دادگاه جزا، هستند. سه نفر از آنها از افراد دانشگاهی هستند و چهار نفر دیگر از متخصصان و صاحب نظران لاحق یا سابق در زمینه حقوق کیفری هستند. شورای مشورتی تعیین مجازات هر سه یا چهار هفته یک بار تشکیل جلسه می‌دهد که این جلسات معمولاً یک یا دو روز به طول می‌انجامد.

2. Sentencing Guideline Council

شورای تعیین مجازات در انگلستان و ولز یک نهاد مستقل مرتبط با وزارت دادگستری است. این نهاد در پی گسترش هماهنگی در زمینه تعیین مجازات است، حال آنکه موقعیت مستقل خود نسبت به وزارت دادگستری را همچنان حفظ می‌کند. این شورا رهنمودهایی را در مورد تعیین مجازات برای دستگاه قضایی تهیه می‌کند و هدف آن این است که فهم عمومی از مجازات را افزایش دهد. این نهاد نقش نظارتی و تحقیقاتی گسترده‌ای را در ارتباط با کارکردهای خود دارد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. اردبیلی، محمد علی، *حقوق جزای عمومی*، جلد ۲، تهران: میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۳.
۲. رحمدل، منصور، *تناسب جرم و مجازات*، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۳. فیلیزولا، ژینا و لپز ژراز، *بزه‌دیده و بزه‌دیده شناسی*، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، تهران: مجد، چاپ اول ۱۳۷۹.
۴. کلارکسون، سی.ام.وی، *تحلیل مبانی حقوق جزا*، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول ۱۳۷۱.
۵. مهرا، نسرین، *رویکرد عملی به رهنمودهای تعیین مجازات در نظام حقوقی انگلستان*، مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی، تهران: میزان، ۱۳۸۸.
۶. میل، جان استوارت، *رساله درباره آزادی*، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۹۵.

مقاله

۷. جوان جعفری، عبدالرضا و محمد جواد ساداتی، *سزاگرایی در فلسفه کیفر*، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱.
۸. رحیمی نژاد، اسماعیل و محمدجعفر حبیب‌زاده، *مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی*، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۲.
۹. رستمی، هادی و واحد سلیمی، *رویکرد فایده‌گرایانه به مجازات در پرتو نظریه بنتام*، نشریه اندیشه‌های حقوق کیفری، سال اول، زمستان ۱۳۹۴، شماره ۱.
۱۰. روستایی، مهرانگیز، *مقایسه تطبیقی اصل ضرر و قاعده لاضرر در توجیه مداخله کیفری*، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۹، تابستان ۹۴، شماره ۲.

۱۱. سزواری نژاد، حجت، جایگاه اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران و انگلستان، دو فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۷۷ و ۷۸.
۱۲. شاملو، باقر و مهدی گوزلی، پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۰، شماره ۲.
۱۳. شیرینی، عباس، حق بزه‌دیده در تعیین کیفر و نحوه اجرای آن، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، بهار ۱۳۹۷، ص ۸۱، شماره ۸۱.
۱۴. صبوری پور، مهدی، نظام‌مندسازی کیفرگزینی تعزیری در حقوق ایران، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷، شماره ۱.
۱۵. علیان، عیسی و محمد فاکر میبیدی، تناسب جرم و مجازات بر اساس آیات قصاص، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات تفسیری، سال نهم، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۳۶.
۱۶. محمودی جانکی، فیروز، مبنای فلسفی منع حقوقی و کیفری ایراد ضرر به خود مطالعه موردی الزام استفاده از کمربند و کلاه ایمنی در رانندگی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۷، بهار ۱۳۸۶، شماره ۱.
۱۷. مهرا، نسرین، راهکارهای یکسان‌سازی اعمال صلاح‌دیدهای قضایی در زمینه تعیین مجازات، مجله دانش انتظامی، سال بیستم، بهار ۱۳۹۷، شماره ۱.
۱۸. مهرا، نسرین، کیفر و چگونگی تعیین آن در فرایند کیفری انگلستان (با تأکید بر کارکردهای کیفر)، مجله تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۶، شماره ۴۵.
۱۹. الهام، غلامحسین و الهام محمدی مغانجوقی، مجازات متناسب از دیدگاه نظریه‌های بازدارندگی (با تأکید بر نظریه تعیین کیفر آلمان)، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۳.

پایان نامه و رساله

۲۰. آماده، غلامحسین، «ضابطه‌مندی اختیارات قضایی در تعیین مجازات در نظام کیفری ایران، انگلستان و مصر»، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، شهریور ۱۳۹۰.
۲۱. سبزواری نژاد، حجت، «نقش قربانی جرم در تعیین مجازات در قوانین کیفری ایران و انگلستان»، رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.

ب) منابع انگلیسی

Books

22. Andenaes, Johannes, *Punishment and Deterrence*, Ann Arbor: University of Michigan Press, 1974.
23. Ashworth, Andrew, *Sentencing and Criminal Justice*, Cambridge University Press, 4th Ed, 2005.
24. Ewing, A. C, *The Morality of Punishment*, Montclair, N.J, Patterson Smith, 1970 (Originally published 1929).
25. Herring, Jonathan, *Basic Concepts of Criminal Law*, Routledge, First Published 2010.
26. Ashworth, Andrew, *Principles of Criminal Law*, New York: Oxford University Press, Fifth Edition, 2006.
27. Robinson, *For a useful discussion of public*, US legal models of sentencing, 2006.

Reports

28. Home Office (2002) Justice for all, cm 5563, London, The Stationery Office.
29. The SAP consultation document cites R V. Coleman 95 cr APP R 159 and R V. Hughes 10 cr APP (s) 169.